

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اما جواب از توهم صاحب فصول

آخوند می‌فرماید: این توهم، فاسد و باطل است. حتی اگر مراد از مرّ و تکرار، فرد باشد باز این نزاع، يك نزاع مستقّلی است و ربطی به نزاع آینده ندارد. برای روشن شدن این مطلب، دو نکته را بیان می‌کنند که نکته اول مربوط به مسئله آینده است و نکته دوم مربوط به همین مسئله مانحن‌فیه است.

نکته اول: شما نزاع آینده را درست متوجه نشدید. در آن نزاع که می‌گویند آیا اوامر متعلّق به طبایع است یا فرد؟ مراد از طبیعت، طبیعت من حیث هی هی نیست. مراد از طبیعت، طبیعت به اعتبار وجودش در عالم خارج است؛ زیرا نفس طبیعت هیچ مطلوبیتی من حیث هی هی پیدا نمی‌کند، یعنی: طبیعت نماز با قطع نظر از وجودش در عالم خارج، اصلاً مطلوب مولى نیست؛ و لذا در فلسفه می‌گویند: طبیعت من حیث هی هی، نه موجود است و نه معدوم و نه مطلوب است و نه غیر مطلوب، و طبیعت لیسیده و با قطع نظر از وجود خارجی به هیچ وجه مطلوب مولى قرار نمی‌گیرد.

و لذا وقتی می‌گوییم که طبیعت به اعتبار وجودش در خارج مورد نزاع است آن وقت می‌گوییم: آنها که می‌گویند اوامر به طبیعت تعلّق می‌گیرد و طبیعت را هم معنا کردیم، می‌توانند روی هر دو معنا وارد شوند که طبیعت به اعتبار وجودش در خارج می‌تواند دفعتا موجود شود یا به دفعات؟ و آیا يك فرد آن می‌تواند موجود شود یا افراد؟

پس کسانی که در بحث آینده می‌گویند که اوامر به طبیعت تعلّق پیدا می‌کند در این بحث می‌توانند در نزاع مرّ و تکرار به هر دو معنا وارد شوند. پس حرف شما صاحب فصول صحیح نیست.

نکته دوم: آخوند می‌فرماید: شما فرد در این نزاع را به همان فرد در نزاع آینده معنا کردید در حالی که این از اشتباهات شماست.

در نزاع آینده این که می‌گوییم: «آیا اوامر به طبایع یا به فرد تعلّق پیدا می‌کند» مراد از «فرد»، فرد با خصوصیات و مشخصات خارجیه است، یعنی: تمام آن خصوصیات و مشخصات خارجیه هم متعلّق امر است. وقتی می‌گوییم که امر به طبیعت تعلّق پیدا می‌کند - و طبیعت، یعنی به اعتبار وجودش در خارج - در این جا دیگر آن خصوصیات خارجی، متعلّق امر نیست؛ و کسانی که می‌گویند: امر به فرد تعلّق می‌گیرد، خصوصیات و مشخصات خارجی نیز متعلّق امر است و دخالت دارد.

ولى فرد در این بحث - که مرّ را به فرد معنا کردیم - یعنی: وجود واحد، خصوصیات خارجیه دخالت در مطلب ندارد.

پس فرد در نزاع مرّ و تکرار و فرد در بحث آینده دو معنای جدا دارند و یکی دانستن آنها موجب اشتباه شما شده است. پس این

دو نزاع، مستقل هستند و ربطی به یکدیگر ندارند.

اگر بگوییم: اوامر به فرد تعلّق پیدا می‌کند، خصوصیات خارجیّه فرد جزء مقوّمات مطلوب مولی است.

و اگر بگوییم اوامر به طبیعت به اعتبار وجود خارجی‌اش تعلّق پیدا می‌کند، آن خصوصیات خارجیّه گرچه ملازم فرد است ولی جزء مقوّمات مطلوب مولی نیست.

تنبیه: اگر مکلف امری را امتثال کرد، آیا بعد از امتثال، مجدّداً لازم است امتثال دوّم انجام دهد. و اگر لازم نیست، آیا جایز است فعل دوّم را به عنوان امتثال دوّم انجام دهد؟ در فرضی که يك امر بیشتر نداریم.

باید روی سه مبنا بحث بشود:

مبنای اوّل: صیغه امر دلالت بر مرّه دارد: طبق این مبنا روشن است که اگر گفتیم صیغه امر دلالت بر مرّه دارد باید مکلف يك بار بیشتر انجام ندهد و اگر بار دوّم به عنوان امتثال انجام داد تشریع محرّم است.

مبنای دوّم: صیغه امر دلالت بر تکرار دارد: باز اینجا هم مسئله روشن است و مکلف باید مکرراً انجام دهد؛ ولی اینها نزاعی دارند که حدّ تکرار چقدر است و مکلف چقدر باید تکرار کند.

مبنای سوّم: صیغه امر دلالت بر مرّه و تکرار ندارد: مرحوم آخوند در اینجا در دو مقام بحث می‌کند:

مقام اوّل: روی این مبنا، آیا اکتفاء به امتثال واحد جایز است یا نه؟ آیا مکلف می‌تواند یکبار بیشتر فعل را انجام ندهد؟

مرحوم آخوند می‌فرماید: قطعاً یکبار امتثال کفایت می‌کند، و دلیل کفایت آن هم عقل است؛ زیرا عقل می‌گوید: فعل شما مصداق برای مطلوب مولی است و لذا امتثال محقّق می‌شود.

مقام دوّم: آیا حالا که به يك بار اکتفاء شد زائد بر يك بار - بار دوّم و سوّم ... - می‌توان انجام داد و جایز است؟ در این مقام، دو صورت دارد:

1- مولی در مقام بیان نیست: پس در مقام اجمال و اهمال است و باید رجوع به اصول عملیه و اصول عقلیه کرد که می‌گوید: وقتی که يك بار امتثال کردی و در بار دوّم شك در جواز می‌کنی اصل، جواز است.

2- مولی در مقام بیان هست: در صورتی که برای کلام مولی، اطلاق درست کردیم، مقتضای اطلاق کلام این است که اتیان يك بار جایز است و بیش از يك بار جایز نیست در صورتی که با آن يك دفعه و با يك مرتبه انجام دادن غرض نهایی مولی محقق شود که در این صورت آوردن مرتبه دوّم جایز نیست، زیرا دیگر غرض مولی وجود ندارد و چیزی وجود ندارد که بخواهد آن را امتثال کند؛ ولی اگر با يك مرتبه، غرض نهایی مولی محقق نشد امتثال دوّم می‌تواند انجام گیرد.

و صلّى الله على محمد و آله الطاهرين